

## «ساختار و عاملیت» در تبیین های فرهنگی انقلاب اسلامی

دکتر علی محمد حاضری<sup>۱</sup>

محمد عاملی<sup>۲</sup>

چکیده:

تبیین های فرهنگی انقلاب اسلامی به تعبیری از بهترین تبیین های بکار رفته در باب انقلاب اسلامی محسوب میشوند. چراکه به اذعان بسیاری از نظریه پردازان اجتماعی (جان فوران، ندا اسکاچپول، میشل فوکو، مانوئل کاستلز، آنتونی گیدنز....) مهمترین خصیصه انقلاب ایران برجسته بودن نقش متغیرهای فرهنگی اعم از ایدئولوژی، رهبری، مذهب (تشیع) گفتمان سیاسی\_اسلامی.... در آن است. اما به لحاظ نظری این دسته از تبیینها خود متأثر از جریانهای نظری متعددی هستند که در بطن سنتهای مختلف جامعه شناسی وجود داشته و دارد. در این نوشتار سعی شده با در نظر گرفتن دوگانگی ساختار و عاملیت به بررسی نظریه شناختی آن دسته از تبیین هایی در حوزه انقلاب اسلامی بپردازیم که مشهور به تبیینهای فرهنگی هستند. از این رو در ابتدا سعی خواهد شد با گشایش یک بحث نظری به ماهیت روش فرانظری پرداخته و سپس با در نظر داشتن منطق موجود در این روش به دسته بندی های مختلفی اشاره شود که در آن انواع تبیین های انقلاب به لحاظ نظری گونه شناسی شده است. در گام بعدی لازم است با ارائه یک تعریف از تبیین های فرهنگی به احصاء آن دسته از نظریاتی پرداخته شود که مشهور به تبیینهای فرهنگی هستند. در نهایت میزان گرایشات ساختار گرایانه و عاملیت گرایانه در آنها مشخص خواهد شد.

مقدمه:

با گذشت نزدیک به سه دهه تاکنون تبیین های مختلفی در پارادایمهای متفاوتی در باب انقلاب اسلامی مطرح شده است. این تبیین ها بیشتر کاربردی نظریه های مختلف جامعه شناسی، و در برخی موارد روانشناسی در باب تغییرات کلان خاصه انقلاب محسوب میشوند. این تبیین ها به سیاق معمول رویکردهای نظریه آزمایی به دنبال برجسته کردن خطوط خاصی از رخداد انقلاب اسلامی برای تایید تجربی نظریاتی هستند که از دریچه آن انقلاب اسلامی را مورد بررسی قرار داده اند. از این رو میتوان رخداد انقلاب اسلامی را آوردگاه مناسبی بدانیم که در آن نظریات مختلف به محک آزمون تجربی در آمده و میزان واقع نمایی خود را در مواجهه با این تغییر بزرگ می آزمایند. علیرغم وجود تبیین های مختلف در باب انقلاب اسلامی اما به جز مواردی اندک، کمتر پژوهشی به تحلیل فرانظریه پژوهشهای بکار رفته در مورد انقلاب اسلامی پرداخته و آنرا مورد بررسی نظری قرار داده است. در این نوشتار هدف، بررسی نظریه شناختی تبیین های انقلاب اسلامی از دریچه یکی از دوگانگی های معروف نظریات جامعه شناسی، ساختار و عاملیت است. در واقع هدف اصلی این

<sup>۱</sup> . استادیار دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده علوم اجتماعی.

<sup>۲</sup> کارشناسی ارشد جامعه شناسی انقلاب پژوهشکده امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی

نوشتار سنجش و ارزیابی میزان گرایشات ساختار گرایانه و عاملیت گرایانه در تبیین های مربوط به انقلاب اسلامی در خانواده تبیین های فرهنگی است. به دیگر سخن هدف آن است که نشان داده شود اشکال مختلف تبیینهای فرهنگی تا چه حد متأثر از بینش ساختار گرایانه و تا چه اندازه تحت تاثیر نگرشهای عاملیت گرایانه بوده اند.

### 1) مبانی نظری

برای بررسی موضوع یاد شده میبایست از روش فراترئیه سود جست .چه، موضوع بررسی ما در این مقاله صرفاً بررسی ساختمان نظری تبیین های فرهنگی ارائه شده در باب انقلاب اسلامی است و نه خود انقلاب اسلامی.

پژوهش فراترئی به عنوان شکلی از اقسام متفاوت فراتحلیل، رهیافتی تحلیلی - منطقی و به تعبیری نوعی رویکرد معرفت شناختی محسوب می شود. در این روش ماده مورد بررسی نه امر واقع که ساختمان تبیین ها و نظریه هایی است که در یک حوزه خاص شکل گرفته است. (استانفورد، 1379:141\_کرایب، 1378:28 -لوید، 1379:279-279:27 elliot, 1999 )

" انقلاب، به عنوان یک رویداد کلان اجتماعی از سویه های متفاوت نظری و به طریق

اولی در پارادیم های مختلف علمی (جامعه شناسی، روان شناسی، اقتصاد...) مورد بررسی قرار گرفته است. انباشت نظریه های مختلف در این حوزه مجالی به پژوهشگران این عرصه خواهد داد که با تاملی فراترئی به ارزیابی منطق درونی نظریه ها پرداخته و از زوایای متفاوت، شبیه آنچه که در خود علم جامعه شناسی دیده می شود، به دسته بندی و سنخ شناسی این نظریه ها پردازند. گونه شناسی نظریه ها در این حوزه بیشتر بر اساس، ساختار، محتوا، بسترهای تاریخی و نیز سطوح تحلیل آن (از واقعیت اجتماعی) شکل گرفته است. موارد یاد شده را میتوان در دسته بندی زیر نشان داد:

1) گونه شناسی نظریه های انقلاب بر اساس پارادیم های مختلف علمی: (روان شناسی،

جامعه شناسی اقتصادی) (taylor.1984)

2) دسته بندی تئوری های مربوط به انقلاب بر اساس محتوای ایدئولوژیک (نظریه مبارزه

طبقاتی، واقع گرای سیاسی، همبستگی اجتماعی، کارکردگرایانه (بشیریه 1374 )

3) نگرش تاریخی به شکل گیری نسل های متفاوت نظریه های انقلاب با تاکید بر

تفاوت های نظری آنها (goldeston.1980\_ foran1993)

4) تفکیک تئوری های انقلاب بر اساس سطوح تحلیل فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و

سیاسی. این دسته بندی را می توان بر اساس تاکید بر عامل مسلط یا حوزه ای

زیربنایی که تغییرات آن میتواند تبیین کننده تغییرات کلان جامعه و انقلاب باشد نیز تعبیر کرد. (کراولی، 1382)

5) گونه شناسی نظریه ها براساس تمایز بین گرایش های ساختار گرایانه و عاملیت گرایانه (مشیرزاده، 1374)

در این میان انقلاب اسلامی بعنوان یکی از رخدادهای مهم چند دهه اخیر، در نوع خود از جمله وقایعی به شمار می رود که تاثیر آن صرفاً محدود به واقعیت های اجتماعی نبوده است. این انقلاب بسیاری از رویکردها و نیز مکاتب نظری مربوط به این حوزه را به تامل جدی واداشت. گو این که، پیچیدگی های درونی این رخداد از بسیاری جهات مستلزم پذیرش منظر تئوریک جدیدی است که تا کنون بدان کمتر توجه شده است. انقلاب سال 1357 ایران به عنوان یک واقعیت به مثابه داده معتبری بود که می توانست بسیاری از نظریه های مختلف را با بد اقبالی مواجه کند، (که مثال بارز آن نگرش ساختار گرایانه مد نظر اسکاچپل بود) و یا مهر تاییدی باشد بر نظریه های دیگر (نظریه فرهنگی مکتب فرانسه و برخی از نظریه های عاملیت گرایانه از آن جمله اند).

یکی از راههای مذاقه در منطق درونی این تحول کلان اجتماعی، تجزیه و تحلیل تبیین های ارائه شده از منظر مفاهیم، نظریات و بعضاً تقابل های موجود در عرصه جامعه شناسی نظری است. آن چه در این نوشتار در پی آنیم تحلیل فرا نظری تبیین های فرهنگی انقلاب اسلامی براساس تقابل دیر پا و شناخته شده «ساختار» و «عاملیت» است.

ریشه های این دوگانگی را می توان در قالب تقابل های مختلفی چون کلان و خرد، فرد و جامعه، کنشگر و ساختار جستجو کرد. دوگانگی فوق زمانی که با تقابل های دیگری چون، اراده و الزام<sup>3</sup>، ذهنی و عینی<sup>4</sup>، مادی<sup>5</sup>، آرمانی تلفیق شود، ابعاد دقیق تر و به تبع آن پیچیده تری به خود خواهد گرفت.

پیش از پرداخت به تحلیل فرانظری تبیین های ارائه شده، لازم است جغرافیای موضوع و مفاهیم مندرج در آن در قالب یک مدل نظری (همراه با تعیین سطوح تحلیلی آن) مشخص شود. در این پژوهش مراد از نظریه های ساختار گرایانه (و به تعبیری دیگر تبیین های ساختار گرایانه) اشاره به آن دسته از نظریاتی است که در آن مکانیسم علی مبتنی بر، سطوح کلان اجتماعی و ساختارهای ذهنی و زبانی است. سطوح کلان و سطوح پهن دامنه اجتماعی نیز اشاره به آن دسته از

---

<sup>3</sup> - voluntary and obligation

<sup>4</sup> - subject and object

<sup>5</sup> - material and ideal

مؤلفه های اجتماعی است که در سطحی ورای افراد نمود می یابد و بطور معمول جنبه الزامی دارد. (ریترز، 1376: 369-368).

این سطوح پهن دامنه اجتماعی در قالب عناصر ذهنی و عینی قابل دسته بندی است. در آن صورت ساختارهای اجتماعی یا جنبه ذهنی دارند، (مانند آنچه در قالب نظم اخلاقی، نظام اعتقادی، نظام ارزشی، هنجارها، و وجدان اجتماعی نمود می یابد) و یا کیفیتی انضمامی و عینی، (بعنوان مثال ساختار طبقاتی، نظام بوروکراتیک و سیاسی). ساختارهای عمیق ذهنی و زبانی نیز که بیشتر در تحلیل های زبان شناختی، نشانه شناسی و بعضا روانکاوی به کار می رود سازنده نوع خاصی از تبیین های ساختاری است. کاربرد این نوع عناصر ساختاری متضمن هیچ نوع مکانیزم علی تجربی نیست، از همین رو این نوع تبیین ها به طور معمول تبیین های غیر علی<sup>6</sup> قلمداد میشوند. (لیتل، 1379: 171)

در برابر نقش ساختارگرایانه و اشکال متفاوت آن «عاملیت گرایی» و انواع آن مطرح می شود. مفهوم عاملیت اجتماعی به لحاظ معنایی تابعی از حوزه های مختلف نظری است که می توان آن را در موارد چهارگانه زیردسته بندی کرد:

1) عاملیت به معنای هر نوع پارامتر اجتماعی فعال اعم از کنشگر و سازمان. این نوع مفهوم از عاملیت بیشتر در جامعه شناسی اروپای قاره ای بکار می رود (ریترز، 1379: 670-669).

2) عاملیت اجتماعی به معنای کنشگر خلاق، صاحب اراده و آگاهی. در این معنا عاملیت صرفا به عنوان فردی در نظر گرفته میشود که عرصه عملکرد آن منحصر به سطوح خرد روابط اجتماعی است. این معنا از عاملیت در نظریه های چون کنش متقابل نمادین، پدیدار شناسی و روش شناسی مردم نگارانه نمود میابد.

3) عاملیت اجتماعی در معنای خاص نظریه ساختار بندی. گرچه این رهیافت واجد نگرشهای متفاوت نظری است اما به طور کلی از این منظر عاملیت اجتماعی واقعیتی پویا و پیوستاری فرض می شود که یک سوی آن عناصر ساختاری وکلان و سویه دیگر آن سطوح خرد روابط اجتماعی قرار دارد. گرچه در نهایت گرایش های مختلف نظری در این رهیافت گاه به سمت عناصر کنشگرایانه (گیدنز 1970) و یا ساختاری (بورديو 1990 و آرچر 1982) میل میکنند، اما در نهایت تعریف آنها از مفهوم عاملیت اجتماعی متضمن نوعی نگرش تلفیقی و پویاست. (پارکر، 2000)

---

<sup>6</sup> - uncasual explanation

4) عاملیت اجتماعی در معنای خاص مکتب رئالیسم انتقادی. در این رهیافت که خارج از جامعه‌شناسی و بیشتر در قلمرو علوم سیاسی و روابط بین‌الملل شکل گرفته است نسبت بین عاملیت اجتماعی و ساختار، دیالکتیکی و تعاملی فرض می‌شود. از این منظر بین ساختار و عاملیت اجتماعی نوعی نسبت رابطه‌ای-راهبردی وجود دارد. مطابق با این فرض عامل اجتماعی در لایه‌های متعدد گزینشهایی قرار می‌گیرد و دست به انتخاب می‌زند که در نهایت ساختارها در برابر عامل اجتماعی قرار داده می‌شوند. به همین خاطر برخی این نظریه را در نهایت علیرغم سویه‌های تلفیقی آن، یک نظریه متمایل به ساختارگرایی میدانند. جسوب (1990) بسکار (1979) کولین هی (1992) از جمله شخصیت‌های مطرح این نظریه محسوب می‌شوند. (مارش و استوکر، 1378:318)

در این نوشتار مفهوم عاملیت اجتماعی بیشتر به آنچه که در نظریه رئالیسم انتقادی و ساختار بندی افاده می‌شود، نزدیک است. به عبارت دیگر مراد از عاملیت اجتماعی در این گفتار ارجاع به کنشگر انسانی است که به صورت فعال و خلاق در قلمرو اجتماعی عملکرد خویش را متجلی می‌کند. این نوع نگرش عاملیت‌گرایانه مستلزم نوعی هستی‌شناسی خاص است که گاه در مکاتب نظری خرد چون پدارشناسی اجتماعی، کنش متقابل نمادین، روش‌شناسی مردمنگاران و در نهایت در نظریه‌ها چندان جامعه‌شناسی شده اگزیستانسیالیسم نیز کم و بیش نمود میابد.

طبیعی است نظریه‌های جامعه‌شناسی محض و انقلاب، علیرغم تاثیر و تاثر از یکدیگر انعکاس تامی از یکدیگر نیستند. از همین رو، در قلمرو نظریه‌های انقلاب، صرفاً اشکال خاصی از نظریه‌های جامعه‌شناختی فرصت‌ظهور یافته‌اند و برخی از نظریه‌های مربوط به انقلاب نیز خارج از قلمرو معمول علم جامعه‌شناسی شکل گرفته‌اند. به عنوان مثال می‌توان به برخی نظریه‌های موجود در پارادایم روان‌شناسی (نظریه محرومیت نسبی، نظریه سرکوب‌غرائز، ناهماهنگی شناختی ..) اشاره کرد. نظریاتی که گرچه بنیادهای نظری آن جامعه‌شناختی نیست اما در زمره مهمترین نظریه‌های انقلاب محسوب می‌شوند.

اگر خواسته باشیم مدلی شبیه آن چه که در نظریه‌های جامعه‌شناسی مطرح است را در قلمرو نظریه‌های انقلاب ترسیم کنیم قطعاً می‌بایست تغییراتی را در آن بپذیریم، اما با الهام از آراء جورج ریترز (1980 به نقل از ریترز، 1371: 476\_484) جفری الگسندر (همان 1982) و نوربرت وایلی (1988) می‌توان یک نمودار تحلیلی را ترسیم کرد که در آن نظریه‌ها براساس دو

گانگی های قطبی موجود در جامعه شناسی، و نیز بر اساس سطوح تحلیلی شان مورد بررسی قرار گیرند.<sup>7</sup>

این تقابل های دو قطبی شامل، موارد زیر است:

الف: عینی در برابر ذهنی (مادی/ آرمانی)

ب: ارادی در برابر الزامی

ج: خرد در برابر کلان

د: فرد در برابر جامعه

دو قطبی های مورد نظر در مدل تحلیلی ترسیم شده، به ما کمک خواهد کرد، تا، بین رویکردهای فرهنگی در نظریه های انقلاب و سایر گرایش های نظری (اجتماعی، روان شناختی سیاسی و اقتصادی) تمایز قایل شده و آن را به تفکیک سطوح متفاوت، ذهنی و عینی، خرد و کلان، ارادی و الزامی به نمایش بگذاریم. با در نظر گرفتن موارد فوق می توان از این نمودار برای جداکردن نظریه های فرهنگی (که مهمترین مشخصه های اش محتوای ذهنی آن است)، از سایر نظریه هایی که به نحوی در تبیین های انقلاب اسلامی مطرح شده اند، استفاده نمود. با توجه به آن چه گفته شد، جدول زیر را می توان بر اساس مفاهیم و تقابل های دو قطبی یاد شده، به همراه نظرات مندرج در آن ترسیم نمود.

---

<sup>7</sup> . تقابل دو رویکرد کنش گرایانه و ساختارگرایانه در این نوشتار صرفاً یک جداسازی تحلیلی و نظری است و گرنه میتوان مجموعه ای از نظریاتی را متصور شد که در آن به نحوی تلفیقی به نقش کنشگر (عاملیت) و ساختار پرداخته شده است. با در نظر داشتن این واقعیت میتوان دو نوع نظریه را از هم تفکیک کرد. نظریات فرایندی که به تعبیر دیوید مارش (1378) ماهیت پویا و سیال دارند. در این نوع نظریات رابطه ای ساختار و کنشگر به نحوی پیوستاری یا دیالکتیکی در نظر گرفته میشود. در نوع پیوستاری واقعیت اجتماعی در یک فرایند پویا از سطوح خرد (عملکرد کنشگر) آغاز شده و در نمای کلان (سطوح ساختاری) ظهور پیدا میکند. نظریات امرسون (1981) رونالد برت (1982) بودون (1979) (1979) کریس (1986) بازورث (1986) در این دسته جای میگیرند. گونه دیگری از نظریات فرایندی در قالب نظریه ساختار یابی (گیدنز 1984، 1976، 1974، بودردیو 1990 فیلیپ آبرامز 1986) و نظریه رئالیسم انتقادی (روی بسکار 1998، 1976 راسل کیت 1971 جان اوری 1975 تد بتون 1977) نمود میابد. در این شکل از نظریات فرایندی، رابطه بین سطوح خرد و کلان به صورت دیالکتیکی فرض میشود که مطابق با آن واقعیت اجتماعی به نحوی دوسویه از تعامل این دو سطح خلق میشود. در مقابل دو گونه نظریات فرایندی (پیوستاری و دیالکتیکی) شکل دیگری از نظریات تلفیقی وجود دارد که به تعبیر مارگارت آرچر (1982) واجد تمایزات تحلیلی (صرفاً مفهومی) هستند. در این نوع نظریات جدایی بین عاملیت و ساختار بر اساس نوعی نگرش صرفاً نظری ترسیم شده بدون آنکه قایل به چنین تمایزی در امر واقع باشند. سطوح چهارگانه لاک وود (1996) جامعه شناسی چند بعدی جفری الگزنندر (1982) نظریه نظام اجتماعی هابرماس (1984) چرخه مورفولوژیک آرچر (1982) در این دسته جای میگیرند.

جدول شماره (1)

کلان ذهنی (جامعه)	هنجاری الزامی	کلان عینی (جامعه)	مادی الزامی
<ul style="list-style-type: none"> <li>- نظریه اجماع ارزشی: چالمرز جانسون، افسانه نجم آبادی - ادوارد تریاکیان</li> <li>- نظریه جامعه آتومیک: امیل دورکیم، کورن هاووزر، هانا آرنهت، حمید عنایت</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>- نظریه دولت محور: جف گودوین، مایکل مان، تدا اسکاچپول، فریده فرهی</li> <li>- نظریه اقتصاد سیاسی: کارل مارکس، فردریک انگلس، محمد علی کاتوزیان</li> <li>- نظریه نوسازی: ساموئل هانتینگتون: پرواندا آبراهامیان</li> <li>- نظریه ساختاری: تموتی کراولی، جک گلدستون، تدا اسکاچپول</li> <li>- نظریه نظام جهانی: امانوئل والرشتاین، شاهین گرامی،</li> <li>- نظریه وابستگی: گو اندر فرانک، کارل فوئنتس</li> <li>- نظریه وابستگی جدید: جان فوران</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>- نظریه نخبه گرایانه: ویلفردو پاره تو، مدیچی تاپلسین،</li> <li>- نظریه سازمانی: چارلز تیلی، ای ابرشال، بی اسیم، ام زالد، مک کارتی</li> <li>- نظریه روان شناسی: میدلارسکی، تد رابرت گر، گشوندر، جیمز دیویس</li> <li>- نظریه اختیار عاقلانه: منکور اولسون، وی تابلور، دبلیو گامسون، دی بی گرین، دی پی گرین، ای برتون</li> <li>- نظریه نهادی: مک آدام، جو فریمن</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>- نظریه گفتمانی: جان فوران، بابی سعید، علی محمد حاضری، منصور معدل</li> <li>- رویکرد نمادین: ویلیام سیوول، آن سوییدلر، آلیسون بریسک، فورست، کلبرن، آن هانت، اریک سلین، میشل فوکو، مایکل فیشر، مانوئل کاستلز، الیویه روه، لیلی عشقی، حسین حسینی</li> </ul>
خرد ذهنی (فرد)	هنجاری/ارادی	خرد عینی (فرد)	مادی/ابزاری

## 2) جامعه آماری پژوهش (انواع تبیین های فرهنگی)

سوال دیگری که در این نوشتار میتواند مورد بحث قرار گیرد پرسش پیرامون ماهیت تبیین های موسوم به تبیین های فرهنگی است.

مفهوم تبیین های فرهنگی در قلمرو نظریه های انقلاب در نوع خود مفهومی مبهم و پر مناقشه است. میتوان با اسکاچپول همصدا بود، و اساسا چنین مفهومی را از اساس مهمل دانست، و مولفه های درونی آن را «عناصر ذهنی بی هدفی در سطوح کلان واقعیت اجتماعی» دانست. (فوران، 1382:155) و یا آنکه مانند گودوین آن را صرفا رویکردی فرایندی و تفریدی شمرد (همان). صرف نظر از نگرشهای انتقادی و جانبدارانه میتوان معانی زیر را به عنوان تعاریف و برداشت هایی دانست که از تبیین فرهنگی ارائه می شود.

1) تبیین فرهنگی به مثابه رویکردی عاملیت گرایانه (در برابر رویکرد ساختار گرایانه)

2) تبیین فرهنگی به عنوان رویکردی تفریدی<sup>۸</sup> و فرایندی<sup>۹</sup> (در برابر رویکرد تعمیمی<sup>۱۰</sup>)

<sup>8</sup> - Idiographic

3) تبیین فرهنگی به عنوان رویکردی که مکانیزم علی در آن مبتنی بر عناصر و پدیده‌های فرهنگی می باشد.

با توجه به پرسش پیش روی این نوشتار (دوگانگی عاملیت و ساختار در تبیین های فرهنگی) مناسب ترین تعریف و در عین حال پرتفردارترین آن، تعریف سوم از تبیین های فرهنگی است. در این نوع نگرش، تبیین فرهنگی به جهت موضوعات مورد بررسی شان از سایر اشکال تبیین ها جدا می شود. از این منظر تبیین های فرهنگی به آن دسته از تبیین هایی گفته می شود که در آن مکانیزم علی معطوف به، کاربرد سمبولیک نظامهای اسطوره ای، شکل گیری گفتمان انقلابی، تحولات معرفتی، و رهبری کاریزماتیک است.

(مشیرزاده 1379، حاضری 1380، مهر آیین 1379، بریسک 1995، سیوول و

کلبرن 1382)

مطابق با تعریف فوق از تبیین های فرهنگی می توان در قالب موضوعات مشخص تر محتوای تبیین های فرهنگی را در قالب مقوله های زیر معرفی نمود.

1- تاکید بر تحولات معرفتی: (حاضری ...)

2- تاکید بر هنجارها، ارزشها، خاطرات و آیین های مذهبی و یا به تعبیر فوران فرهنگ مقاومت. (فوران، فیشر، دیگارد، ..)

3- کاربرد سیاسی اسطوره ها و عناصر سمبولیک تاریخی و مذهبی در فرایند انقلاب (فوکو، فیشر، عشقی، ..)

4- تاکید بر جلوه ها و مولفه های ضد مدرنیستی و ضد سکولاریستی انقلاب و بازگشت به ارزشهای سیاسی و هویت مذهبی (معنویت سیاسی). (فوکو، نجم آبادی)

5- تاکید بر پیوندهای ارگانیک بین روحانیت شیعه و مردم (رفیع پور، الگار، حاضری، ..)

6- تاکید بر فروپاشی اجماع ارزش و نظام اخلاقی و شکل گیری یک نظم اخلاقی جدید (تریاکیان، نجم آبادی، عنایت)

7- تاکید بر انقلاب اسلامی به عنوان یک گفتمان معارض با مدرنیته و شکل یگری یک گفتمان جدید فرانوگرایانه (سعید، حاضری، معدل، تاجیک)

8- تاکید بر عناصر ارادی و عاملیت گرایانه (روشنفکران، نخبگان و روحانیون) در مقابل تفاسیر جبرگرایانه و ساختارگرایانه (فوکو، اسکاچپول، فرهی)

<sup>9</sup> - processing

<sup>10</sup> - nomothetic



بامشخص شدن موضوعات حال وقت آن است که جامعه آماری تبیین های فرهنگی را تا حد ممکن با برشهای مختلف نظری از یکدیگر متمایز کرده تا در ابعاد مختلف بدان پرداخته و زوایای پنهان آن را آشکار کنیم. با توجه به تبیین های ارائه شده، می توان تبیین های فرهنگی را در چهار دسته متفاوت گونه شناسی کرد.

**الف: رهیافت اجماع ارزشی:** در این رهیافت انقلاب نتیجه فروپاشی اجماع ارزشی و نظم اخلاقی است.

**ب: رهیافت گفتمانی (ایدئولوژیک):** این رهیافت مبتنی بر این فرض است که انقلاب به عنوان یک فرایند پیامد شکل گیری گفتمانهای انقلابی و به دنبال آن کنش جمعی انقلابی است.

**ج: رهیافت فرهنگ عامه (نمادین):** این نوع نگرش به دنبال فهم ریشه های کنش انقلابی در آداب، اعتقادات، باورها، مناسک، و سایر عناصر موجود در زندگی عادی مردم یک جامعه است

**د: رهیافت تلفیقی:** رهیافت اخیر یک تبیین خالص فرهنگی به حساب نمی آید بلکه، در این نوع تبیین انقلاب نتیجه تلفیق عناصر فرهنگی با متغیرهای دیگری از عناصر اجتماعی است.

پرسشی که اکنون مطرح میشود آن است که بادر نظر گرفتن تعریف پذیرفته شده از تبیین فرهنگی که در سطور قبل بدان اشاره شد، تبیین چه کسانی را میتوان در زمره تبیین های فرهنگی دانست؟

با در نظر گرفتن تعریف و نیز مشخصه های هشتگانه تبیین های فرهنگی و با ارجاع به کتب، مقالات، و سایر اسناد علمی، میتوان دریافت تبیین های ارائه شده در خصوص انقلاب اسلامی، از سوی شخصیت های زیر در این مجموعه قرار میگیرند<sup>11</sup>.

جدول شماره (2)

منابع (مهرآئین 1379 مشیرزاده 1375 سمتی 1377 حسینی 1381)

حسین حسینی	لیلی عشقی	میشل فوکو	بابی سعید	مایکل فیشر
آصف حسین	مری هگلند	الیویه روا	پیر دیگارد	بنوعزیزی
علی محمد حاضری	شاهرخ اخوی	فورامن کالدور	سعید ارجمند	مانوئل کاستلز
حمید عنایت	کریستین برومزه	کریستین ژامبه	عبدالعزیز ساچدینا	سربرنی محمدی
جیمز بیل	هادی سمتی	عادله فردوس	حسین الذین	آذر طبری
افسانه نجم آبادی		منصور معدل	حامد الگار	حمید رضا اخوان
		نوشین یاوری	نیکی کدی	مری آن براکت

<sup>11</sup>. ناگفته پیداست که بسیاری از تبیین های ارائه شده یکسره فرهنگی نبوده بلکه در ساختار نظری این تبیین ها، مولفه های غیر فرهنگی نظیر مسایل اقتصادی، اجتماعی و سیاسی، نیز گنجانده شده است

### 3) گزینش نمونه های آماری

در این بخش لازم است نمونه های آماری خود را از مجموعه جامعه آماری جدا کرده و به صورت خاص به تجزیه و تحلیل ساختمان نظری آن پردازیم.

از مجموعه موارد ارائه شده توسط پژوهشگران فوق فقط دو نمونه آن، در قلمرو تبیین های فرهنگی از نوع اجماع ارزشی محسوب می شوند این موارد مربوط به تبیین های مطرح شده توسط حمید عنایت (1359) و افسانه نجم آبادی (1377) می باشد.

رهیافت گفتمانی نیز محدود به تبیین های ارائه شده توسط بابی سعید (1379) منصور معدل (1382) علی محمد حاضری (1377) حمید رضاخوان مفرد (1381) محمد رضا تاجیک (1378) است، که همه موارد یاد شده مورد تحلیل قرار خواهند گرفت.

اما تعداد موارد ارائه شده در حوزه تبیین های فرهنگ عامه و نیز تبیین های تلفیقی به جهت کثرت موارد مستلزم گزینش موارد خاصی از آن می باشد.

معیار گزینش در این بخش انسجام و نیز وجود یک چارچوب نظری مشخصی است که صرفاً در برخی از موارد ارائه شده دیده می شود. بسیاری از تبیین های ارائه شده در این دو قلمرو فاقد یک چارچوب نظری مشخص می باشند و پژوهش های مطرح شده توسط آنها بیشتر پرداختی است معمولی از مناسبات علی معلولی اجتماعی بدون آنکه داده های مطرح شده ذیل یک چارچوب نظری و روش شناسی خاص قرار گیرد. به همین دلیل در این بخش با کنار نهادن مواردی از این دست صرفاً آن دسته از تبیین هایی مورد تحلیل قرار خواهند گرفت که معرفهای مناسبی برای رهیافت های مد نظر (فرهنگ عامه و تلفیقی) باشند از همین رو در رهیافت تبیین های فرهنگ عامه تبیین های ارائه شده توسط میشل فوکو (1377)، حسین حسینی (1381)، مایکل فیشر (1980، 1994)، لیلی عشقی (1379)، مانوئل کاستلز (1380)، پیر دیگارد (1377)، الویه روا (1379) و نیز در قلمرو تبیین های تلفیقی موارد ارائه شده توسط نیکی کدی، تدا اسکاچپول (1376)، جان فوران (1377، 1382)، فریده فرهی (1377، 1990) مورد بررسی قرار خواهند گرفت.

### 4) تحلیل فرانظری تبیین های فرهنگی

در این جا سعی می شود با توجه به برش های طرح شده، در سطوح متفاوت (عینی و ذهنی - خرد و کلان) به تحلیل فرانظری تبیین های فرهنگی پرداخته و متناسب با برشهای یاد شده میزان گرایشات ساختاری و عاملیت گرایانه را در بعد عینی و ذهنی نشان دهیم.

جدول شماره 3 سطوح تحلیل هر یک از تبیین های ارائه شده را همراه با مولفه های درونی آن را نشان می دهد.  
جدول شماره (3)

کلان ذهنی «ساختارگرایانه»	x1 - تعارض فرهنگی و فروپاشی نظم اخلاقی و اجماع ارزشی x2 - فرهنگ مقاومت و اعتراض
کلان عینی «ساختارگرایانه»	y1- تاکید بر بحران های اجتماعی و اقتصادی پیش آمده از برنامه های توسعه و نوسازی (توسعه شتابان و نامتوازن) y2- تاکید بر بحران های نشات گرفته از تغییرات جمعیتی و مهاجرت y3- تاکید بر انسداد سیاسی (نظام تک حزبی، فقدان مشارکت سیاسی، نظام سرکوب گر) y4- وجود شبکه های اجتماعی مستقل و کارآمد برای بسیج توده ها و اتحاد بین طبقات اجتماعی y5- وجود تعارضات و تضادهای بین طبقات اجتماعی و حکومت y6- تاکید بر تاثیر متغیرهای بین المللی (توسعه وابسته، بحران مشروعیت ناشی از وابستگی به قدرت های امپریالیستی، فشار بین المللی برای اصلاحات).
خرد ذهنی «کنش گرایانه»	Z1- تحولات معرفتی در مذهب شیعه (توسط نخبگان مذهبی) Z2- بازیابی و باز اندیشی در نظام معانی، سمبل ها و کاربرد اسطوره های شیعی و قرار دادن آن در بطن کنش های انقلابی Z3- تاکید بر شخصیت کاریزماتیک و شخصیت موثر امام خمینی در فرایند انقلاب Z4- تاکید بر ائتلاف کارآمد بین نخبگان مذهبی و روشنفکران و در مجموع نقش نخبگان فکری و مذهبی Z5- بر ساختن و خلق ایدئولوژی و گفتمان انقلابی توسط کارگزاران انقلاب و طرح حکومت و هویت اسلامی
خرد عینی «کنش گرایانه»	P1- نارضایتی کنشگران از وضعیت اقتصادی و انتظارات فزاینده آنها از دولت بعد از رفاه نسبی اقتصادی

با تحلیل نظریه شناختی تبیین های فرهنگی ارائه شده می توان گرایشهای ساختارگرایانه و عاملیت گرایانه آن را مشخص کرد. با توجه به محدود بودن تعداد رهیافت اجماع ارزشی (صرفاً دو مورد) و رهیافت گفتمانی (پنج مورد) تمامی آنها مورد بررسی فرآیندی قرار میگیرند.

با در نظر گرفتن چارچوب نظری تبیین های ارائه شده و نیز جزییات درونی آن، که در جدول

شماره 3 معرفی شده و برای هر گزینه موارد (x1) تا (p1) تعریف شده، میتوان مفردات زیر را متناسب با برشهای زیر در جدول شماره 5 نشان داد .

#### جدول شماره (4)

	مفروضات کنش گرایانه						مفروضات ساختارگرایانه								
	خرد عینی	خرد ذهنی					سطح کلان عینی			سطح کلان ذهنی					
رهیافت های فرهنگی	p	z5	z4	z3	z2	z1	y6	y5	y4	y3	y2	y1	x2	x1	
صاحب نظران															
حمید عنایت		+		+	+	+			+		+	+	+	+	
افسانه نجم آبادی		+		+				+	+		+	+	+	+	
حمیدرضا اخوان		+		+	+	+		+	+	+	+	+	+		

رهیافت گفتمانی		+		+					+		+		+	بابی سعید
		+			+	+	+		+	+		+		منصور معدل
		+	+	+	+	+			+					علی محمدحاضری
		+		+	+							+		محمد رضا تاجیک
رهیافت فرهنگ عامه		+		+	+							+	+	میشل فوکو
		+		+	+	+			+			+	+	حسین حسینی
		+	+	+	+	+			+			+	+	مایکل فیشر
		+	+	+	+	+						+	+	لیلی عشقی
		+	+		+				+	+	+	+	+	مانوئل کاستلز
		+	+	+	+	+			+				+	+
رهیافت تلفیقی		+		+	+	+	+		+	+	+	+		البویه روا
			+		+	+		+	+	+	+			نیکی کدی
		+		+	+		+	+	+	+		+		تدا اسکاچپول
		+	+	+	+		+		+	+	+	+		جان فوران
		+		+		+	+	+	+		+	+		فریده فرهی
	2	17	8	15	14	10	5	4	11	8	5	11	12	9

داده های تفصیلی جدول شماره (4) به نحوی اختصاری، با عنایت به محورهای «کنش / ساختار» و «عین / ذهن» با وضوح و صراحت بیشتری در جداول (5) و (6) نشان داده شده است.

#### جدول شماره (5)

«فراوانی مفروضات کنش گرایانه و ساختارگرایانه در دو سطح عینی و ذهنی»

مفروضات کنش گرایانه		مفروضات ساختار گرایانه	
عینی	ذهنی	عینی	ذهنی
2	64	44	21
	66		65

#### جدول شماره (6)

«فراوانی مفروضات عینی (سیاسی، اجتماعی، اقتصادی) و ذهنی (فرهنگی)»

مفروضات ذهنی		مفروضات عینی	
کلان	خرد	کلان	خرد
21	64	44	2
85		46	

## 5)\_ نتیجه گیری نهایی

با استناد به داده های فوق، می توان دریافت:

1\_ بیشترین تأکید در وهله نخست به عناصر ذهنی، بعنوان اصل و اساس پدیده های فرهنگی است.

با در نظر داشتن این که مجموعه مورد بررسی، تبیین های فرهنگی هستند، این مسئله چندان دور از ذهن نمی باشد، که تمرکز اصلی در این شکل از تبیین های انقلاب بر مفاهیم و مفروضات ذهنی باشد.

2\_ با در نظر داشتن دوگانگی ساختار و کنشگر (عاملیت)، شواهد نشان می دهد که تبیین های

فرهنگی انقلاب اسلامی بیشتر (66مورد) بر مفروضات و مفاهیم کنش گرایانه تأکید دارند.

3. همانطور که بطور معمول از تبیین های فرهنگی انتظار می رود، این گونه از تبیین ها بیشتر ناظر

بر سطح خرد (عاملیت گرایانه) ذهنی است. از مجموع تبیین های ارائه شده بیشترین تأکید بر (17

مورد) مقوله بر ساختن ایدئولوژی و گفتمان انقلابی و یا طرح ایده حکومت اسلامی است. به

عبارت دیگر در 18 مورد تبیین ارائه شده 17، مورد آن به مقوله فوق ارجاع داده شده است، و

جالب تر آن که دو مورد دیگر که از جهت کمی بیشترین تأکید را به خود اختصاص داده اند باز

مربوط به سطح خرد ذهنی است که در این میان تأکید بر نقش رهبری امام خمینی چه در مقام یک

رهبری کاریزماتیک و چه به عنوان مهمترین رهبر فکری (15 مورد) نشان دهنده اهمیت مقوله فوق

در میان پژوهش های ارائه شده است. مورد سوم نیز مربوط به بازیابی معانی و کاربرد خلاقانه نظام

معانی و سمبولیک اسطوره‌ها و رویدادهای مذهبی شیعی است. با این تفاسیر بیشترین تأکید در تبیین‌های ارائه شده به ترتیب به موارد یاد شده زیر است.

الف) بر ساختن و خلق هویت ایدئولوژی و گفتمان انقلابی و طرح ایده حکومت اسلامی

توسط کارگزاران انقلاب اسلامی (17 مورد از 18 مورد تبیین ارائه شده)

ب) تأکید بر رهبری کاریزماتیک و هوشمندانه امام خمینی (15 مورد از 18 مورد تبیین ارائه

شده)

ج) تأکید بر کاربرد خلاقانه نمادها، اسطوره‌ها و رویدادهای تاریخی مذهب شیعه (14 مورد از

18 مورد تبیین ارائه شده)

4. برخلاف تصورات معمول تبیین‌های فرهنگی ضرورتاً محدود به عناصر عاملیت گرایانه

محسوب نمی‌شوند. (کراولی 1382) همان طور که در جدول نشان داده شده است، دو مقوله

«فروپاشی نظم اخلاقی و اجماع ارزشی» (9 مورد) و «فرهنگ مقاومت و اعتراض» (12 مورد)

بعنوان مقوله‌های مربوط به سطح کلان ذهنی، قسمت مهمی از تبیین‌های فرهنگی را به خود

اختصاص داده‌اند که این خود نشان دهنده وجود شکل خاصی از تبیین‌های فرهنگی با ماهیت

ساختارگرایانه است.

5. نکته دیگر برجسته بودن عناصر متغیرها و مفروضات مبتنی بر ساختارهای غیر فرهنگی

(عینی) است. مطابق با جدول شماره (4) بیشترین عنوان (6 مورد) در حوزه عناصر ساختاری

عینی دیده می‌شود که این خود بیانگر اهمیت مسایل اجتماعی، اقتصادی، سیاسی در تبیین‌های

ارائه شده فرهنگی است. طبیعی است وجود چنین متغیرهایی در تبیین‌های تلفیقی بیشتر و در

تبیین‌های مربوط به رهیافت فرهنگ عامه (به جهت سطح خرد و عاملیت گرایانه آن) کمتر باشد.

6. بدون شک یک تبیین مناسب میبایست دارای انسجام درونی (اعتبار و یا منطقی درونی)

مناسبی باشد و این خود مستلزم متعهد بودن یک تبیین به یک چارچوب نظری مشخصی است که

متناسب با آن داده های اجتماعی گردآوری و چینش شده باشند. اما با تدقیق در تبیین‌هایی ارائه شده ما شاهد نوعی التقات نظری آشکاری هستیم که تبیین های مورد بررسی بدان دچار شده اند. به عنوان مثال، در میان تبیین های ارائه شده می توان به وفور داده های متفاوت و متعارضی را دید که بدون هیچ منطق نظری کنار هم قرار گرفته اند. بدون شک، در کنار هم قرار گرفتن سطوح متعارضی از واقعیت اجتماعی (خرد و کلان/ذهنی و عینی/اراده گرایی و الزام/مادی و آرمانی) در قالب یک تبیین بیانگر سستی منطق درونی یک تبیین خواهد بود. چنین التقات نظری بیشتر در قالب تبیین های تلفیقی و فرهنگ عامه دیده میشود. از میان دو گونه دیگر، تبیین های اجماع ارزشی کمتر به این مسئله دچار شده اند. تبیین های گفتمانی (ایدئولوژیک) را نیز به لحاظ ماهیت پیوستاری آنها (حرکت از سطوح خرد به کلان)، نمی توان از این منظر مورد نقد قرار داد.

7. اقبال به نظریه‌های مربوط به فرهنگ عامه که بیشتر مبتنی بر اصول مردم شناختی (خاصه نوع ذهنی و خرد آن) است، مبین اهمیت بعد کنش‌گرایانه انقلاب است. تقریباً در تمامی تبیین‌های ارائه شده می توان به اشاراتی دست یافت که مبین اهمیت نقش کنشگر اجتماعی در فرایند انقلاب اسلامی است. جالب تر آنکه به استثنای یک مورد (تبیین حسین حسینی) ما شاهد تاکید بر سطوح کلان و عناصر ساختارگرایانه (چه ذهنی و چه عینی) هستیم. اگر چه این اقبال در تبیین‌های ارائه شده بیشتر معطوف به عناصر کنش‌گرایانه خاصه نوع ذهنی آن است.

8. نکته جالب توجه آن است که در این میان به سطح خرد عینی توجه کمتری شده است. به جز اشاره بسیار کوتاه نیکی کدی و جان فوران، کمتر می توان از این مولفه‌ها اثری یافت. با توجه به ماهیت تبیین‌ها (فرهنگی) این کم‌توجهی چندان عجیب به نظر نمی‌رسد. چرا که این سطح صرفاً به کنش‌های مادی و سودجویانه کنشگر اجتماعی توجه دارد و این مسئله چندان در ابعاد آرمانی و ارزشی نمی‌تواند ظهور یابد و یا با آن تلفیق شود. البته، این مسئله بیانگر موضوع مهم دیگری است

و آن به ماهیت انقلاب اسلامی بعنوان یک کنش جمعی معطوف به ارزش اشاره دارد، که این خود نقش عناصر سود جویانه را چه در سطح کلان و چه در سطح خرد کم رنگ میکند.<sup>۱۲</sup>

9. ناتوانی نظریه‌های متعارف انقلاب در تبیین انقلاب اسلامی را می‌بایست در ماهیت تاریخی و نیز شرایط خاص نظام اجتماعی ایران دانست. به نحوی که استخراج یک نظریه عام از طریق ارجاع به انقلاب ایران و یا کار بست یک نظریه خاص، برای تبیین انقلاب اسلامی را تا حد زیادی مشکل می‌سازد. وجود متغیرهایی اجتماعی و فرهنگی با سابقه بیش از هزار ساله (مواردی که در تبیین‌های ارائه شده از سوی عشقی، دیگارد فیشر، فوکو... بدان اشاره شده است) و نیز مناسبات فرهنگی خاص مردم در زندگی روزمره (که نمود عینی آن همان چیزی است که فوکو آن را میکرو فیزیک قدرت می‌نامد)، انقلاب اسلامی ایران را تبدیل به رویدادی غامض و پیچیده کرده است که تا حدی رهیافت‌های معمول در مطالعه انقلاب در مواجهه با آن دچار سردرگمی می‌شوند. از همین روست که تبیین‌های فرهنگی ارائه شده برای انقلاب اسلامی بیشترین حجم را به خود اختصاص داده است.

10. با در نظر گرفتن مکانیزم علی موجود در انواع مختلف تبیین‌های ارائه شده در این رساله، می‌توان سه نوع متفاوت از تبیین‌های فرهنگی را از یکدیگر تفکیک کرد.

#### **الف: رویکرد ساختاری:**

در این شکل از تبیین، مکانیزم علی متوجه ساختارهای اجتماعی است. که گاه ظهوری انضمامی و عینی دارند (شبه آنچه در تبیین‌های ارائه شده از سوی جان فوران، اسکاچپول، فرهی، دیده شد) و گاه ناظر بر عناصر ساختاری، اما ذهنی و هنجاری هستند. (بعنوان مثال تبیین ارائه شده از سوی نجم آبادی و عنایت). در این نوع تبیین بنابر مقتضیات آن، تنگناهای موجود در ساختارهای اجتماعی علت انقلاب در نظر گرفته می‌شوند، و کمتر به کنشگر و عاملین اجتماعی توجه می‌شود و یا نقش آنها در مقایسه با عناصر ساختاری، کم‌رنگ‌تر است.

---

<sup>12</sup> . در پژوهشی که پیرامون محتوای شعارهای انقلاب اسلامی توسط محمد حسین پناهی (1383) با عنوان «جامعه‌شناسی شعارهای انقلاب اسلامی» انجام شده می‌توان اهمیت و برجستگی اهداف ارزشی (دینی، فرهنگی، اخلاقی...) کنشگران در فرایند انقلاب اسلامی را به وضوح تشخیص داد.



## ب : رویکرد تفسیری:

در این نوع تبیین‌ها، فرایند انقلاب اسلامی بیشتر در سطح خرد و میان عاملین اجتماعی جستجو می‌شود، در این رویکرد محقق بطور معمول، ابتدا به توصیف و تحلیل منطق درونی نظام فرهنگی ایران پرداخته و بافت معنایی آن را بعنوان منابع ارزشی و انگیزشی کنش معرفی می‌کند. پیش فرض این شکل از تبیین که عمده‌ترین شکل تبیین فرهنگی محسوب می‌شود، فهم معنای یک رویداد از طریق ارجاع به نظام فرهنگی موجود در ذهن کنشگران یک بافت اجتماعی خاص است. در این رویکرد، عقاید و افکار فاعلان اجتماعی بعنوان منشاء کنش‌های اجتماعی محسوب می‌شود و به تعبیر دیگر مکانیزم علی مبتنی بر محتوی درونی ذهن کنشگران است. این رویکرد علی به لحاظ روش شناختی بسیار نزدیک به آن چیزی است که وبر آن را «تفهم تبیینی» و یا «تبیین تفهیمی» می‌نامد. رویکردی که در آن واقعیت‌ها همیشه آمیخته به نظام ارزشی خاص یک نظام اجتماعی است. تبیین‌های ارائه شده از سوی پیردیگارد، روا، فوکو، حسینی، فیشر، یاوری در این مجموعه جای می‌گیرند.

## ج - رهیافت ساخت گرایانه (سازه گرایانه):

این رهیافت بیشتر نوعی رهیافت تلفیقی محسوب می‌شود. در این شکل از تبیین مکانیزم علی مبتنی بر نوعی رهیافت دیالکتیکی از خرد به کلان و بالعکس است. این شکل از تبیین، کنش گران اجتماعی را مثابه فاعلین خلاق اجتماعی میدانند که از رهگذر تعاملات به خلق واقعیت اجتماعی می‌پردازند. ظهور واقعیت اجتماعی از این منظر ماهیتی کلان دارد، در این رهیافت، که نوعی مکانیزم علی پیوستاری را به نمایش می‌گذارد، واقعیت اجتماعی مقوله‌ای است ذهنی و یا محصول فعالیت‌های ذهنی، کنش گران که در نهایت در سطوح کلان و ساختاری متجلی می‌گردد. به معنای خاص، شبیه آنچه که پیتر برگر و توماس لاکمن در کتاب ساخت اجتماعی واقعیت به توضیح آن پرداخته‌اند، واقعیت‌های اجتماعی چیزی جز محصولات معرفتی کنشگران نیستند در حوزه مطالعات مربوط به انقلاب، گفتمان‌های انقلابی بعنوان محصولات ذهنی عاملین اجتماعی بعنوان

موتور محرکه انقلاب محسوب می‌شوند، و از آن بعنوان واقعیت‌های اجتماعی بر ساخته‌ای یاد می‌شود که در فرایند انقلاب از سوی کنشگران اجتماعی ساخته شده و بکار گرفته می‌شود. آراء سعید، معدل، تاجیک، اخوان، حاضری و تا حدی فوران از جمله تبیین‌هایی محسوب می‌شوند که به این مجموعه از تبیین‌های فرهنگی تعلق دارند.

### منابع و ماخذ

1. ابراهامیان، یرواند (1378) ایران بین دو انقلاب، ترجمه «احمد گل‌محمدی» تهران: انتشارات نی.
2. اخوان، مفرد، حمیدرضا (1381)، ایدئولوژی انقلاب ایران، تهران: انتشارات پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی.
3. اسکاچپول، تدا (1376) دولت‌ها و انقلاب اجتماعی، ترجمه سیدمجتبی روشن تن، تهران: سروش
4. پناهی، محمد حسین (1383) جامعه‌شناسی شعارهای انقلاب، تهران: مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.
5. تاجیک، محمدرضا (1378) میشل فوکو و انقلاب اسلامی ایران، تهران: مؤسسه توسعه و دانش و پژوهش ایران.
6. تاجیک، محمدرضا (1378)، فرامدرنیزم و تحلیل گفتمان، تهران: مؤسسه توسعه دانش و پژوهش در ایران.
7. جانسون، چالمرز (1363) تحول انقلابی بررسی نظری پدیده انقلاب، ترجمه حمیدالاسیان، تهران: امیرکبیر.
8. حاضری، علی محمد (1377) «فرایند بالندگی، ایدئولوژی انقلاب اسلامی» تهران: نشریه متین، شماره اول.
9. حاضری، علی محمد (1380) انقلاب و اندیشه، تهران: پژوهشکده انقلاب اسلامی
10. خرمشاد، محمداقبر (1377) «فوکو و انقلاب ایران» تهران: پژوهشنامه متین شماره اول.

11. خرمشاد، محمدباقر (بی تا) انقلاب اسلامی ایران در رهیافت فرهنگی اندیشمندان فرانسوی، چاپ اول، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
12. دیگارد، ژان پیر، برنارد هوکار، ریشار، یان (1377) ایران در قرن بیستم، ترجمه عبدالرضا مهدوی، تهران: نشر البرز.
13. ریتزر، جورج (1371) نظریه جامعه شناسی در دوران معاصر، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی.
14. سمتی، محمدهادی (1377) «وضعیت کنونی حوزه مطالعات انقلاب» تهران: متین شماره اول زمستان.
15. سعید، بابی (1379) هراس بنیادین، ترجمه موسی عنبری، غلامرضا جمشیدیها، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
16. شگری کشاورز، عباس (1382) «تیین انقلاب اسلامی از دیدگاه اسکاچپول» تهران: نشریه متین شماره 19، پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی.
17. عشقی، لیلی (1379) زمانی بین زمانها، مترجم احمد نقیبزاده، تهران: مؤسسه فرهنگ و هنر و ارتباطات .
18. عنایت ، حمید (1377) «انقلاب اسلامی: مذهب در قالب ایدئولوژی سیاسی» ترجمه و تلخیص امیرسعید الهی، تهران: فصلنامه اطلاعات سیاسی اقتصادی.
19. فاضلی، محمد (1382) «تحلیل انسان شناختی انقلاب ایران» کتاب ماه علوم اجتماعی ، شماره 75-76، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
20. فروند، ژولین (1372) ترجمه علیمحمد کاردان، نظریه های مربوط به علوم انسانی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
21. فرهی، فریده (1377) «نظریه اسکاچپول و انقلاب اسلامی» تهران: پژوهشنامه متین شماره اول.
22. فوکو، میشل (1378) ایرانی ها چه رویایی در سردارند، ترجمه حسین معصومی همدانی، تهران: انتشارات هرمس.

23. فوران، جان (1377) مقاومت شکننده: تاریخ تحولات اجتماعی ایران، ترجمه احمد تدین، تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.
24. کاستلز، مانوئل (1380) عصر اطلاعات، قدرت و هویت، جلد دوم، ترجمه حسن چاوشیان، تهران: نشر نی.
25. کدی، نیکی (1377) «مطالعه تطبیقی انقلاب‌های ایران» ترجمه فردین قریشی، تهران: نشریه متین، شماره اول، پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی.
26. کرایب، یان (1378) نظریه اجتماعی مدرن از پارسونز تا هابرماس، تهران: انتشارات آگه.
27. لوید، کریستوفر (1382) «تیین تاریخ ساختارهای اقتصادی و اجتماعی» ترجمه حسینعلی نودری، تهران: فصلنامه تاریخ معاصر ایران، شماره 3 پاییز 1376.
28. لیتل، دانیل (1381) تبیین در علوم اجتماعی، ترجمه عبدالکریم سروش، تهران: انتشارات صراط.
29. مارش، دیوید و استوکر، جری (1378) ترجمه محمد حاج یوسفی، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
30. مشیرزاده، حمیرا (1375) «نگاهی به رهیافت‌های مختلف در مطالعات انقلاب اسلامی»، تهران: فصلنامه راهبرد، شماره 9.
31. مشیرزاده، حمیرا (1375) «مروری بر نظریه‌های انقلاب در علوم اجتماعی» فصلنامه راهبرد شماره 9.
32. مشیرزاده، حمیرا، (1381) درآمدی نظری بر جنبش‌های اجتماعی، معاونت پژوهشی انتشارات پژوهشکده امام خمینی، تهران.
33. معدل، منصور (1382) طبقه، سیاست و ایدئولوژی در انقلاب، ترجمه محمدسالار کسرای، تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران.
34. مک کی، ساندرا (1380) ایران، اسلام، روح یک ملت، ترجمه شیوا رویگریان، تهران: انتشارات ققنوس.

35. مهرآیین، مصطفی، (1379) «مطالعه و ارزیابی تبیین‌های فرهنگی انقلاب اسلامی ایران» به راهنمایی دکتر علیمحمد حاضری، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.

36. نجم آبادی، افسانه (1377) «بازگشت به اسلام: از مدرنیسم به نظم اخلاقی» ترجمه عباس کشاورز، تهران: پژوهشنامه متین.

37. هادیان، ناصر (1377) «دیدگاه اسکاچپول و رهبری در انقلاب اسلامی ایران» تهران: پژوهشنامه متین شماره اول.

### – منابع و مأخذ لاتین

1. Fischer, Micheal and Mehdi Abedi (1994) Debaiting muslims. The university of wisconsin.
2. Fischer, Micheal (1980), from Religious Dipute to Revolution, Harvard university press.
3. Eliot, Antony (1999) contempavary social Theory, malden, Blackwell.
4. Park, jahn (2001) structviotron, Bvckinghome. Vniver sity openpress.
5. Farahi, farideh (1990) states and urban –Based (iran and Nicaragva) university of Illnois.
6. Smith, philip (2001) cultural Theory, Blackwell publishers.
7. taylor, stan "social scince and revolution "(1994) (new york: st.martin's press).
8. goldeston, jack "throries of revolution " the third generation world polotics. april, 1980
9. johon foran "theories of revolution ,reconceidered toward fourth generation social theory(1993)
10. wiley, norbert. "the micro-macro problem in social theory(1998) greenwood press.